

رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری محافظه کارانه و غیر محافظه کارانه

احمد خدای پور *

رامین محرومی **

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی وجود محافظه کاری و تأثیر آن بر رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری می باشد. روش انجام تحقیق شبه تجربی است. جامعه آماری تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۷۹ لغایت پایان سال ۱۳۸۷ می باشد. برای بررسی و سنجش میزان محافظه کاری در شرکتهای نمونه از مدل باسو و برای بررسی رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری از مدل استون و هاریز استفاده شده است. نتایج بیانگر این است که در شرکتهای مورد بررسی محافظه کاری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان می دهد زمانی که از شرکتهای دارای محافظ کاری پایین به طرف شرکتهای دارای

محافظه کاری متوسط حرکت می کنیم، رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری افزایش پیدا می کند، هر چند این افزایش چندان محسوس نیست، ولی هنگامی که از شرکتهای دارای محافظه کاری متوسط به سوی شرکتهای دارای محافظه کاری بالا می رویم رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری به طور قابل توجهی کاهش می یابد. در مجموع، نمی توان یک رابطه مشخص و واضحی بین میزان محافظه کاری و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری پیدا کرد.

واژه های کلیدی: محافظه کاری، اطلاعات حسابداری، رابطه ارزشی، سود حسابداری

مقدمه

حسابداری محافظه کارانه که به عنوان کمتر گزارش نکردن هزینه ها و بدهی ها و نیز بیشتر گزارش نکردن دارایی ها و درآمدها تعریف شده است، یکی از عوامل موثر در کیفیت اطلاعات تهیه شده توسط شرکت ها می باشد. کیفیت اطلاعات تهیه شده به عوامل گوناگونی از قبیل به موقع بودن، بی طرفی، قابل فهم بودن و غیره بستگی دارد. محافظه کاری نیز یکی از این عوامل می باشد. تصمیم گیرندگان و فعالان بازارهای سرمایه به اطلاعاتی نیاز دارند که هم قابلیت اتکای کافی داشته باشد و هم به اندازه کافی مربوط باشد. همواره از گذشته های دور موازنه بین دو ویژگی مربوط بودن و قابل اتکابودن اطلاعات حسابداری مورد بحث و بررسی بوده است. ولی چه اطلاعاتی مربوط است و چه اطلاعاتی قابل اتکا است؟ استفاده کنندگان از گزارش های مالی، اطلاعاتی می خواهند که بر تصمیم های اقتصادی آنها در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده یا تأیید یا تصحیح ارزیابی های گذشته مؤثر و مربوط باشد. علاوه بر این عاری از اشتباهات و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به طور صادقانه معرف چیزی باشد که مدعی بیان آن است، یا به گونه ای معقول انتظار می رود بیان کند، یعنی قابل اتکا باشد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۶). محافظه کاری عاملی است که می تواند بر مربوط بودن و نیز بر روی قابلیت اتکای اطلاعات اثر گذار باشد. اگر این دو ویژگی تغییر کنند قدرت تصمیم گیری افرادی که بر اطلاعات مالی اتکا می کنند نیز دچار تغییر خواهد شد.

سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که آیا محافظه کاری به طور کلی باید در صورت های مالی وجود داشته باشد؟ آیا اطلاعات حسابداری تهیه شده به صورت محافظه کارانه باعث بهبود تصمیم های سرمایه گذاران بازار سرمایه می شود؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در همه کشورهای جهان از جمله ایران، اغلب استانداردهای حسابداری حاوی الزاماتی برای بکارگیری رویه های محافظه کارانه هستند. گنجاندن چنین استانداردهایی در متن استانداردها، بیش از هر چیزی ناشی از توجه به ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده در گزارش های مالی است. بحثی که همواره در متون حسابداری مطرح بوده این است که آیا اعمال محافظه کاری در گزارشگری مالی که نتیجه توجه به ویژگی قابلیت اتکا بودن اطلاعات حسابداری است، باعث نمی شود تا از مربوط بودن اطلاعات کاسته شود؟ آیا هزینه اعمال محافظه کاری بیش از منافع آن است؟ آیا اطلاعات حسابداری تهیه شده به صورت محافظه کارانه برای تصمیم گیری استفاده کنندگان مفید است یا اطلاعات غیر محافظه کارانه؟ طی سالهای اخیر در بیشتر کشورها، برای پاسخ دادن به سؤلهایی از این دست، تحقیقات راجع به محافظه کاری، چگونگی اندازه گیری آن و اثر آن بر روی رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری افزایش یافته است. با توجه به موارد فوق، به نظر می رسد که انجام تحقیقی در رابطه با محافظه کاری و رابطه ارزشی آن در محیط اقتصادی ایران ضروری باشد.

ادبیات و چارچوب نظری

مفهوم محافظه کاری

باسو^۱ (۱۹۹۷) محافظه کاری را گرایش حسابداری به الزام درجه بالاتری از تایید پذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با میزان تایید پذیری لازم برای شناسایی اخبار بد تعریف کرده است. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۶) در

مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محافظه کاری را به عنوان یکی از اجزای خصوصیت کیفی قابل اتکا بودن در نظر گرفته است، اما به جای واژه محافظه کاری از واژه احتیاط استفاده کرده و احتیاط را اینگونه تعریف کرده است: «احتیاط عبارتست از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام مورد نیاز است، به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع نشان داده نشوند.» در واقع محافظه کاری را می‌توان محصول ابهام دانست و هرگاه حسابداران با ابهام روبرو شوند، محافظه کاری را به کار می‌برند.

محافظه کاری در گزارشگری مالی در نتیجه برخی از عوامل اقتصادی به وجود می‌آید که در قالب چهار تفسیر گنجانده می‌شوند که عبارتند از تفسیر قراردادی، تفسیر دعاوی حقوقی، تفسیر مالیاتی و تفسیر قوانین و مقررات حسابداری. در این میان، قدمت تدوین قراردادی بیش از سه تفسیر دیگر است (واتز، ۲۰۰۳). در واقع، تفسیرهای مذکور عواملی هستند که به استفاده از رویه‌های حسابداری محافظه کارانه در گزارشگری مالی منجر می‌شوند.

معیار عدم تقارن زمانی در شناسایی سود و زیان

باسو (۱۹۹۷) از پیشگامان انجام تحقیقات در مورد محافظه کاری در دهه اخیر بوده است و اولین پژوهش‌های مطرح در این زمینه را انجام داده است که حاصل آن ارائه مدلی برای بررسی میزان محافظه کاری بوده است. مدلی که او به کار می‌برد دارای دو متغیر اصلی است. این متغیرها سود حسابداری و بازده سهام می‌باشد.

همان طور که در فرضیه بازار کارا مطرح می‌شود، قیمت و بازده سهام منعکس کننده تمام اخبار و اطلاعات موجود است. به بیان دیگر، بازده سهام منعکس کننده اخبار خوب و اخبار بد می‌باشد. تمام اخبار و اطلاعات موجود بدون اینکه تفاوتی بین آنها وجود داشته باشد، در بازده منعکس می‌شوند. این در حالی است که در محاسبه و گزارش سود حسابداری، درجات بالاتری از قابلیت اتکا برای شناسایی

سودها و اخبار خوشایند در برابر زیانها و اخبار ناخوشایند لازم است (باسو، ۱۹۹۷). تفاوتی که بین سود و بازده از لحاظ انعکاس آثار رویدادهای مختلف به شرح پیشگفته وجود دارد، زمینه مناسبی را برای سنجش محافظه کاری فراهم می کند. اخبار ناخوشایند هم در سود و هم در بازده دوره جاری منعکس می شوند، در حالی که برخی افزایش در ارزش داراییها و برخی درآمدها (اخبار خوشایند) بدون انعکاس در سود حسابداری، فقط در بازده منعکس می شوند. سود حسابداری شناسایی این درآمدها یا افزایشها در داراییها را به دورههای آینده منتقل می کند، در حالی که بازده سهام آنها را در دوره جاری لحاظ می دارد.

با توجه به توضیحات فوق، می توان انتظار داشت که بین سود حسابداری و بازدههای منفی در قیاس با بازدههای مثبت، ارتباط قوی تری وجود داشته باشد، زیرا سود حسابداری همزمان با بازدههای منفی، اخبار ناخوشایند را منعکس می سازد، ولی برخلاف بازدههای مثبت، شناسایی و انعکاس اخبار خوشایند را تا حدی به تاخیر می اندازد.

بر اساس آنچه که گفته شد باسو برای پیش بینی های خود از مدل زیر استفاده کرد:

$$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{i,t} + \beta_2 Ret_{i,t} + \beta_3 Ret_{i,t} DT_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

در مدل باسو، اگر β_3 مثبت و معنی دار باشد بدین معناست که در نمونه مورد بررسی، محافظه کاری وجود دارد.

تأثیر محافظه کاری بر رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری

رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری، توانایی ایجاد قدرت پیش بینی در سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری در اتخاذ تصمیم های اقتصادی آتی و تعدیل تصمیم های قبلی می باشد. سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر فعالان بازار سرمایه خواستار اطلاعاتی هستند که آنها را در رسیدن به بازده مورد نظر یاری کند. هرچه اطلاعات حسابداری تهیه شده مربوط تر بوده و قابلیت اتکای بیشتری داشته باشد و توانایی تأثیر گذاری بیشتری بر تصمیم های افراد ذکر شده در راستای تأمین اهدافشان داشته باشد، رابطه ارزشی بیشتری خواهد داشت.

به نظر می‌رسد که ارتباط بین محافظه‌کاری و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری حداقل تا به امروز چندان مشخص و واضح نبوده است. در مورد محافظه‌کاری در حسابداری و تأثیر آن بر رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری و نقش اطلاعاتی آن دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. برخی از محققان، محافظه‌کاری را برای استفاده‌کنندگان و تحلیل‌گران صورت‌های مالی مفید دانسته و برای آن نقش اطلاعاتی قائلند. به اعتقاد این عده، محافظه‌کاری باعث افزایش کیفیت اطلاعات گزارش شده در بازارهای اوراق بهادار می‌شود و این افزایش کیفی اطلاعات به سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری‌های مناسب کمک می‌کند. در مقابل، برخی دیگر از صاحب‌نظران نه تنها نقش اطلاعاتی برای محافظه‌کاری قائل نمی‌شوند، بلکه آن را به زیان استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌دانند. به اعتقاد این عده، محافظه‌کاری باعث کاهش کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی اساسی می‌شود و این امر می‌تواند زیان‌های هنگفتی را برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به همراه داشته باشد. در این تحقیق سعی شده است میزان تأثیر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی مورد بررسی قرار گیرد. ذکر این نکته ضروری است که حسابداری محافظه‌کارانه و یا غیر محافظه‌کارانه مفهومی سیاه و سفید نیست. یعنی اینچنین نیست که تحقیقات انجام شده در رابطه با محافظه‌کاری به طور مطلق به ما بگوید که محافظه‌کاری حتماً بایستی وجود داشته باشد و یا اینکه اصلاً نباید وجود داشته باشد. ممکن است نتیجه تحقیقی بیان کند رعایت محافظه‌کاری تا یک محدوده مشخصی سودمند است.

مروری بر پیشینه تحقیق

لافاند و واتس^۱ (۲۰۰۶) در مقاله خود، اثر نامتقارن بودن اطلاعات بین مدیران و سرمایه‌گذاران شرکت را روی محافظه‌کاری به کار رفته بررسی کردند. آنها مشاهده کردند که در شرکت‌های دارای عدم تقارن اطلاعاتی زیاد بین سرمایه‌گذاران و

مدیران، صورت‌های مالی در رابطه با سود، اطلاعات کمتر و در رابطه با زیان‌های شرکت، اطلاعات بیشتری دارد. به علاوه، آنها دریافته‌اند که شناسایی نامتقارن سودها و زیان‌ها در صورت‌های مالی با بیشتر شدن نامتقارن بودن اطلاعات افزایش پیدا می‌کند.

دیمیتریوس و همکاران^۱ (۲۰۰۹) در تحقیق خود ارتباط محافظه‌کاری با رابطه ارزشی گزارش‌های مالی در شرکت‌های یونانی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که یک رابطه واضح و مشخصی بین محافظه‌کاری و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری وجود ندارد.

چان، لین و استرانگ^۲ (۲۰۰۹) آثار مختلف محافظه‌کاری را به وسیله آزمون اینکه آیا محافظه‌کاری بر مبنای ترازنامه و محافظه‌کاری بر مبنای بازار، اطلاعات متفاوتی را در رابطه با کیفیت درآمدهای موسسه (به عنوان نمادی از اطلاعات حسابداری) به سهامداران می‌دهد یا نه، بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که بعد از کنترل کردن متغیرهایی مانند اندازه شرکت، بتا و اهرم، شرکت‌های با درجه بالاتری از محافظه‌کاری بر مبنای ترازنامه، هزینه سرمایه پایین‌تری دارند. در مقابل، موسسات دارای محافظه‌کاری بر مبنای بازار بالاتر، هزینه سرمایه بالاتری به علت اطلاعات پر ریسک دریافت شده توسط سرمایه‌گذاران خواهند داشت.

فلسان^۳ (۲۰۰۹) در تحقیقی که انجام داد رابطه بین ساختار رقابتی و حسابداری محافظه کارانه را مورد بررسی قرار داد. او نتیجه گرفت که میزان و شدت رقابت در بازارهای محصول، یک عامل برای بکارگیری رویه‌های حسابداری محافظه کارانه است. نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌ها، محافظه‌کاری را در پاسخ به رقابت بیشتر بکار می‌برند. همچنین مؤسسات قبل از صدور سهام و اوراق بدهی، کمتر از حسابداری محافظه کارانه استفاده می‌کنند.

ثقفی و سدیدی (۱۳۸۶) در مقاله خود تحت عنوان تأثیر محافظه‌کاری بر کیفیت سود و بازده سهام، ارتباط میان محافظه‌کاری و کیفیت سود و نرخ بازده را مورد

ارزیابی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که شاخص کیفیت سود مطرح شده بر مبنای محافظه کاری می تواند بخشی از تفاوت نرخ بازده دارایی های عملیاتی و نرخ بازده سهام جاری را با سال بعد بیان نماید. به عبارتی، واحدهای اقتصادی که رویه های محافظه کارانه را اعمال می کنند، می توانند با تغییر سرمایه گذاری در دارایی های عملیاتی، کیفیت سود واحد تجاری را تغییر دهند.

رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران و میزان محافظه کاری موجود در گزارش های مالی را بررسی کردند. آنها نتیجه گرفتند که هرگاه عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری بین سرمایه گذاران وجود داشته باشد، شرکت ها سود و زیان را با محافظه کاری بیشتری گزارش می کنند. همچنین آنها دریافتند که با تغییر میزان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران، میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی شرکت ها نیز افزایش می یابد.

مشایخی، محمدآبادی و حصارزاده (۱۳۸۸) در تحقیقی که انجام دادند به بررسی رابطه محافظه کاری با میزان توزیع سود و پایداری آن پرداختند. فرضیه اول تحقیق به این صورت مطرح شد که با افزایش محافظه کاری توزیع سود کمتر می شود. یافته های تحقیق حاکی از وجود شواهد متقاعد کننده برای تأیید فرضیه اول بود. فرضیه دوم تحقیق بیان می کرد که با افزایش محافظه کاری در گزارشگری مالی از پایداری سود کاسته می شود و در واقع انتقادی بر رویه های حسابداری محافظه کارانه بود. یافته های تحقیق نشان دهنده رد این فرضیه بود. این در شرایطی بود که استفاده از نسبت ارزش بازار خالص دارایی ها به ارزش دفتری آنها به جای استفاده از ارقام غیر تعهدی عملیاتی به منظور اندازه گیری محافظه کاری، منجر به تأیید فرضیه دوم می شد. آنها در مجموع نتوانستند اظهار نظر صریحی در مورد فرضیه دوم ارائه دهند.

فرضیه های تحقیق

با توجه به توضیحات فوق، فرضیات تحقیق به صورت زیر مطرح می گردد:

۱. محافظه کاری که بر مبنای مدل باسواندازه گیری می شود، در شرکت های مورد بررسی وجود دارد.

۲. محافظه کاری کمک می کند تا سود حسابداری محتوای اطلاعاتی (رابطه ارزشی) بالاتری در تبیین بازده سهام داشته باشد.

روش انجام تحقیق

روش مورد نظر برای انجام این تحقیق شبه تجربی و از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) است و چون می تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، لذا از نوع کاربردی است.

جامعه و نمونه آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که از سال ۷۹ لغایت ۸۷ در بورس فعال بوده اند. برای محاسبات تغییرات سود هر سهم، از داده های سال ۷۸ نیز استفاده گردیده است. نمونه تحقیق با توجه به جامعه آماری و در ابتدا با استفاده از روش نمونه گیری حذفی انتخاب شده است. بر این اساس شرکت هایی که ویژگی های زیر را نداشتند از نمونه آماری حذف شدند:

۱. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند باشد.
 ۲. شرکت ها تا پایان اسفند ۱۳۷۷ در بورس پذیرفته شده باشد.
 ۳. شرکت ها نباید سال مالی خود را طی دوره مورد مطالعه تغییر داده باشند.
 ۴. شرکت ها مربوط به واسطه گری مالی نباشند.
 ۵. اطلاعات مورد نیاز آنها برای انجام این تحقیق در دسترس باشد.
- در نهایت پس از بررسی های لازم و اعمال موارد فوق، ۹۸ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند.

روش آزمون فرضیات و مدل های تحقیق

در این تحقیق برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون ترکیبی (تجمعی) استفاده شده است. برای سنجش محافظه کاری از مدل باسو (۱۹۹۷) و برای اندازه گیری رابطه

ارزشی (محتوای اطلاعاتی) اطلاعات حسابداری از مدل استون وهاریز^۱ (۱۹۹۱) استفاده شده است.

برای اهداف این تحقیق، شرکت‌ها بر حسب محافظه‌کاری که داشتند به سه گروه شرکت‌های دارای محافظه‌کاری بالا (سطح یک)، شرکت‌های دارای محافظه‌کاری متوسط (سطح دو) و شرکت‌های دارای محافظه‌کاری پایین (سطح سه) تقسیم شده‌اند و رابطه ارزشی سود هر گروه از شرکتها با استفاده از مدل استون و هاریز مورد آزمون قرار گرفته است. فرضیه دوم تحقیق در صورتی تأیید می‌شد که رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری، برای شرکت‌هایی که در گروه محافظه‌کاری سطح بالا قرار گرفته‌اند بیشتر از شرکت‌هایی که در گروه محافظه‌کاری سطح متوسط قرار گرفته‌اند، باشد و همچنین رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری شرکت‌هایی که در گروه محافظه‌کاری سطح متوسط قرار گرفته‌اند بیشتر از شرکت‌هایی که در گروه محافظه‌کاری سطح پائین قرار گرفته‌اند باشد. بیشتر بودن R^2 تعدیل شده در مدل استون و هاریز نشان دهنده بیشتر بودن رابطه ارزشی می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Excel و SPSS استفاده شده است.

مدلهای تحقیق

$$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{i,t} + \beta_2 Ret_{i,t} + \beta_3 Ret_{i,t} DT_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در آن:

$EPS_{i,t}$ سود هر سهم شرکت i در سال t ، $P_{i,t-1}$ قیمت بازار هر سهم شرکت i در ابتدای سال t ، $Ret_{i,t}$ بازده شرکت i در سال t و $DT_{i,t}$ متغیر مجازی (دامی) است که اگر بازده شرکت i در سال t منفی باشد یک و در غیر اینصورت صفر خواهد بود. مدل (۱) (مدل باسو) برای آزمون فرضیه اول و همچنین برای طبقه بندی شرکت‌ها بر حسب میزان محافظه‌کاری که برای آزمون فرضیه دوم مورد نیاز است مورد استفاده قرار گرفته است.

$$Ret_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در آن:

$\Delta EPS_{i,t}$ تفاوت سود هر سهم در دو نقطه زمانی یعنی در ابتدا و پایان سال t برای شرکت i ، $EPS_{i,t}$ سود هر سهم شرکت i در سال t ، $Ret_{i,t}$ بازده شرکت i در سال t و $P_{i,t-1}$ قیمت بازار هر سهم شرکت i در ابتدای سال t می باشد. مدل (۲) (مدل استون و هاریز) برای آزمون فرضیه دوم مورد استفاده قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و بحث در یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی

در جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق بعد از حذف مشاهدات پرت ارائه گردیده است.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
Ret	۰/۲۸	۰/۱۰۸	۲/۸۹۱	-۰/۹۴۵	۰/۶۵۲
EPS/P	۰/۱۶۴	۰/۱۳۹	۰/۸۳۵	-۰/۳۵۴	۰/۱۳۵
$\Delta EPS/P$	-۰/۰۰۷	-۰/۰۱۲	۰/۶۳۹	-۰/۶۷	۰/۱۲۷
DT	۰/۳۸۹	۰	۱	۰	۰/۴۸۹
DT RET	-۰/۰۹۵	۰	۰	-۰/۹۴۵	۰/۱۶۵

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول تحقیق زمانی تأیید می‌شد که ضریب β_3 بدست آمده در مدل با سو مثبت و معنی‌دار باشد. همچنان که در جدول (۲) مشاهده می‌شود β_3 بدست آمده برابر با ۰/۱۲۱ می‌باشد و با توجه به سطح معنی‌داری بدست آمده، فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود. بنابراین در شرکت‌های مورد بررسی محافظه کاری

وجود دارد. در واقع می‌توان عنوان کرد که پاسخ سود به اخبار منفی سریعتر از پاسخ سود به اخبار مثبت بوده و این تفاوت معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

$$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{i,t} + \beta_2 Ret_{i,t} + \beta_3 Ret_{i,t} DT_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل مورد استفاده:

متغیر	ضریب	t	t(p-value)
مقدار ثابت	۰/۱۵	۲۱/۳۸۱	۰/۰۰۰
$DT_{i,t}$	-۰/۰۰۴	-۰/۳۱۸	۰/۷۵۱
$Ret_{i,t}$	۰/۰۶۸	۸/۰۷۸	۰/۰۰۰
$Ret_{i,t}DT_{i,t}$	۰/۱۲۱	۳/۲۵۴	۰/۰۰۱

$F=۷۰/۳۱۶$ (p-value)=۰/۰۰۰ $DW=۱/۷۴۲$ $R^2=۰/۱۹۹$ $Adj R^2=۰/۱۹۶$

نتایج آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم، در ابتدا شرکتها بر اساس میزان محافظه‌کاری (β_3) به سه سطح تقسیم شدند. سطح اول که بیشترین میزان محافظه‌کاری را دارند به عنوان شرکت‌های دارای محافظ‌کاری سطح بالا انتخاب شدند. سطح دوم شرکت‌هایی بودند که در آنها میزان β_3 بدست آمده کمتر از سطح اول بود و به عنوان شرکت‌های دارای محافظه‌کاری سطح متوسط انتخاب شدند و در نهایت شرکت‌هایی که میزان محافظه‌کاری آنها کمتر از دو سطح ذکر شده بود به عنوان شرکت‌های دارای محافظه‌کاری سطح پایین (سطح سه) انتخاب شدند.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

$$Ret_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

مدل مورد استفاده: محافظه کاری سطح بالا

متغیر	ضریب	t	t(p-value)
مقدار ثابت	-۰/۰۵۴	-۰/۸۲۵	۰/۴۱
$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}$	۱/۵۶۷	۴/۸۶۹	۰/۰۰۰
$\frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}$	۰/۰۶۵	۰/۲۰۲	۰/۸۴

$F=۱۹/۳۳۵$ F(p-value)=۰/۰۰۰ DW=۱/۸۸۳ R²=۰/۱۳۲ Adj R²=۰/۱۲۵

محافظه کاری سطح متوسط

متغیر	ضریب	t	t(p-value)
مقدار ثابت	-۰/۱۱۶	-۱/۶۵۸	۰/۰۹۸
$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}$	۲/۶۹	۷/۶۸	۰/۰۰۰
$\frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}$	۰/۰۵	۱/۳۲	۰/۰۹۱

$F=۴۴/۷۲۲$ F(p-value)=۰/۰۰۰ DW=۱/۷۸۸ R²=۰/۲۱۲ Adj R²=۰/۲۰۷

محافظه کاری سطح پایین

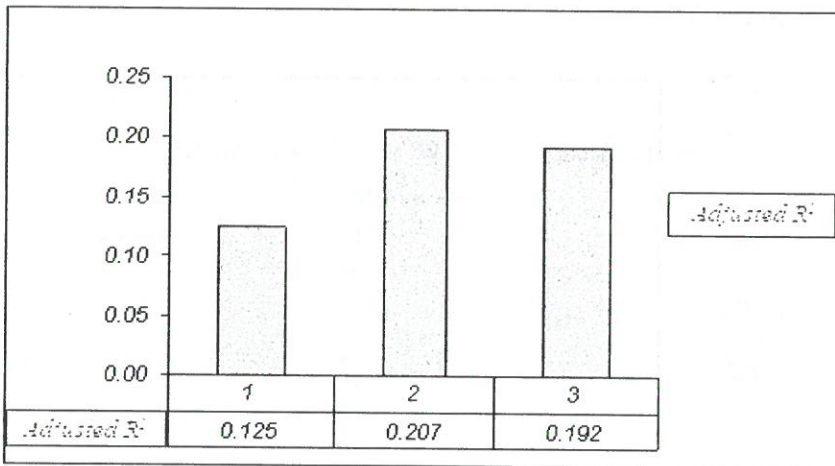
متغیر	ضریب	t	t(p-value)
مقدار ثابت	-۰/۰۵۲	-۰/۸۴۹	۰/۳۹۷
$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}$	۲/۰۶۶	۶/۳۴۲	۰/۰۰۰
$\frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}$	۰/۰۳۷	۰/۱۰۳	۰/۹۱۸

$F=۳۲/۰۵۱$ F(p-value)=۰/۰۰۰ DW=۱/۹۶۵ R²=۰/۱۹۸ Adj R²=۰/۱۹۲

جدول (۳) نتایج مربوط به تجزیه و تحلیل فرضیه دوم را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌شود R² تعدیل شده برای سطح محافظه کاری متوسط بیشتر از R² تعدیل شده برای محافظه کاری سطح پایین می‌باشد (هر چند اختلاف خیلی زیاد نیست)، ولی R² تعدیل شده بدست آمده برای سطح محافظه کاری بالا بیشتر از R² سطح محافظه کاری متوسط نیست (حتی از سطح پایین هم بیشتر نیست و اختلاف قابل توجهی با دیگر سطوح دارد) و این نشان دهنده عدم وجود رابطه مشخص و واضحی بین محافظه کاری و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری است. در نهایت

می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم تحقیق که ادعا می‌کرد محافظه‌کاری باعث افزایش رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری می‌شود، رد می‌شود. جدول (۴) نمودار مربوط به میزان رابطه ارزشی شرکت‌های مورد بررسی را نشان می‌دهند.

جدول ۴: نمودار مربوط به رابطه ارزشی شرکت‌ها



۱. شرکت‌های دارای محافظه‌کاری بالا ۲. شرکت‌های دارای محافظه‌کاری متوسط ۳. شرکت‌های دارای محافظه‌کاری پایین

سایر یافته‌ها

دوره زمانی این تحقیق ۹ ساله و از سال ۷۹ لغایت ۸۷ می‌باشد. بازار بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۸۴ دچار یک بحران مالی شد که این بحران تا مدتی پیش ادامه یافت. به همین دلیل می‌توان دوره ۹ ساله تحقیق را به دو بازه زمانی تقسیم کرد: دوره قبل از بحران و دوره بعد از بحران. جدول (۵) نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مدل باسو در دو دوره زمانی مختلف یعنی ۷۹ تا ۸۳ و ۸۴ تا ۸۷ را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌شود محافظه‌کاری در دوره زمانی ۸۴ تا ۸۷ نسبت به دوره قبل از آن افزایش پیدا کرده است. ضریب β_3 بدست آمده برای دوره زمانی قبل از بحران ۰/۰۸۹ می‌باشد در حالی که ضریب β_3 بدست آمده برای دوره بعد از بحران

۰/۱۴۹ است و این نشان دهنده افزایش میزان محافظه کاری در دوره بعد از بحران مالی بورس می باشد.

جدول ۶. نتایج مربوط به میزان محافظه کاری برای دو دوره زمانی

$$\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{i,t} + \beta_2 Ret_{i,t} + \beta_3 Ret_{i,t} DT_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

دوره ۷۹ تا ۸۳

متغیر	ضریب	t	t(p-value)
مقدار ثابت	۰/۱۵۴	۱۶/۳۸۴	۰/۰۰۰
$DT_{i,t}$	-۰/۱۵۸	-۱/۰۵۵	۰/۲۹۲
$Ret_{i,t}$	۰/۰۶۸	۷/۲۵۱	۰/۰۰۰
$Ret_{i,t}DT_{i,t}$	۰/۰۸۷	۱/۶۶۴	۰/۰۹۷

$$F=۴۷/۳۰۶ \quad F(p-value)=۰/۰۰۰ \quad DW=۱/۶۶۴ \quad R^2=۰/۲۳۲ \quad Adj \ R^2=۰/۲۲۷$$

دوره ۸۴ تا ۸۷

متغیر	ضریب	t	t(p-value)
مقدار ثابت	۰/۱۶۱	۱۳/۲۸۲	۰/۰۰۰
$DT_{i,t}$	۰/۰۱۱	۰/۵۴	۰/۵۸۹
$Ret_{i,t}$	۰/۰۷۸	۴/۱۶۹	۰/۰۰۰
$Ret_{i,t}DT_{i,t}$	۰/۱۴۹	۲/۷۲۲	۰/۰۰۷

$$F=۲۴/۶۱۶ \quad F(p-value)=۰/۰۰۰ \quad DW=۱/۸۶۴ \quad R^2=۰/۱۶۴ \quad Adj \ R^2=۰/۱۵۷$$

بررسی مفروضات رگرسیون خطی

- آماره دوربین - واتسون برای تمامی مدلها بین بازه ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و این نشان دهنده این است که استقلال مقادیر خطاها در مدلهای رگرسیونی استفاده شده مورد تأیید است.
- آماره F بدست آمده برای مدلهای استفاده شده و سطح معنی داری آن نشان دهنده مناسب بودن مدلهای برازش شده و معنی داری آن در سطح اطمینان ۹۹٪ است.
- همچنان که در جدول (۶) مشاهده می شود در همه مدلهای استفاده شده امید ریاضی مقادیر خطا تقریباً برابر با صفر بوده و انحراف معیار نیز تقریباً برابر با یک می باشد. بنابراین توزیع خطاها برای مدلهای استفاده شده نرمال می باشد.

جدول ۶. امید ریاضی و انحراف معیار مقادیر خطا برای مدل‌های استفاده شده

مدل مورد استفاده: $\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{i,t} + \beta_2 Ret_{i,t} + \beta_3 Ret_{i,t} DT_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$			
	دوره ۸۴ تا ۸۷	دوره ۷۹ تا ۸۳	آزمون فرضیه اول
امید ریاضی	$9/32^{-17}$	$9/94^{-16}$	$7/84^{-16}$
انحراف معیار	۰/۹۹۶	۰/۹۹۷	۰/۹۹۵
مدل مورد استفاده: $Ret_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}\right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}}\right) + \varepsilon_{i,t}$			
	سطح محافظه کاری سه	سطح محافظه کاری دو	سطح محافظه کاری یک
امید ریاضی	$5/34^{-18}$	$4/1^{-16}$	$3/34^{-17}$
انحراف معیار	۰/۹۹۶	۰/۹۹۷	۰/۹۹۶

نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی محافظه کاری وجود دارد. به نظر می‌رسد که در بیشتر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران درجات بالاتری از قابلیت اتکا برای شناسایی سودها و اخبار خوشایند در برابر شناسایی زیان‌ها و اخبار ناخوشایند لازم است و این به این معنی است که واکنش سود به اخبار بد (مانند زیان‌ها) سریع‌تر از واکنش سود نسبت به اخبار خوب (مانند افزایش ارزش دارایی‌ها) می‌باشد. سریع‌تر بودن پاسخ سود به اخبار ناخوشایند (بد) نسبت به اخبار خوشایند (مثبت) بیانگر وجود محافظه کاری است و بر این اساس می‌توان ادعا کرد که در شرکت‌های مورد مطالعه در این تحقیق رویه‌های حسابداری محافظه کارانه استفاده می‌شود. این یافته با مطالعه مهرانی، حلاج و حسنی (۱۳۸۸)، پا^۱ (۲۰۰۷)، احمد و دولمان^۲ (۲۰۰۷)، پاپ و والکر^۳ (۱۹۹۹) و رویچاره‌اری و واتز^۴ (۲۰۰۷) مطابقت دارد.

همچنین نتایج نشان دهنده عدم تأیید فرضیه دوم تحقیق بوده و نمی‌توان یک ارتباط مشخصی و واضحی بین محافظه کاری و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری

پیدا کرد. این نتیجه مشابه مطالعه دیمتریوس و همکاران^۱ (۲۰۰۹)، بلچندرام و مهنرام^۲ (۲۰۰۶) و کارن تیتل و همکاران^۳ (۲۰۰۴) می باشد. شرکت های مورد بررسی در این تحقیق با توجه به میزان محافظه کاری موجود به سه طبقه متفاوت تقسیم شدند. رابطه ارزشی در شرکت های دارای محافظه کاری پایین، تفاوت چندانی با رابطه ارزشی شرکت های دارای محافظه کاری متوسط ندارد و این در شرایطی است که در گروه شرکت هایی که بیشترین سطح محافظه کاری را دارند رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری به طور محسوسی کمتر از دو سطح دیگر است. به طور کلی بر اساس یافته های این تحقیق نمی توان راجع به ارتباط حسابداری محافظه کارانه و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری شرکت های بورس تهران اظهار نظر مشخصی نمود.

علاوه بر این، مقایسه میزان محافظه کاری در دوره زمانی قبل از بحران بورس (سالهای ۷۹ تا ۸۳) و دوره زمانی پس از بحران بورس نشان می دهد که میزان محافظه کاری بعد از بحران مذکور نسبت به دوره قبل از آن در شرکتهای مورد بررسی افزایش پیدا کرده است.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

در پایان، برای ادامه راه تحقیق و انجام تحقیقاتی در ارتباط با محافظه کاری، پیشنهاد می شود موضوعات زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. بررسی تأثیر محافظه کاری بر رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری که در آن برای سنجش میزان محافظه کاری و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری از معیارهای غیر از آنچه که در این مقاله به کار برده شده استفاده شود.
۲. می توان موضوع تحقیق حاضر را در صنایع مختلف مورد بررسی قرار داد. با توجه به تفاوت ماهیت فعالیت شرکت ها در صنایع مختلف، انتظار است نتایج متفاوتی حاصل شود.

۳. بررسی موضوع تحقیق حاضر در شرایطی که شرکت‌های مورد بررسی بر اساس اندازه طبقه‌بندی شده باشند.

محدودیت‌های تحقیق

۱. تأثیر احتمالی تفاوت در روش‌های حسابداری (مثل روش محاسبه استهلاک) بر اقلام مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها ممکن است بر نتایج تحقیق اثر بگذارد و تعدیلی از این بابت صورت نگرفته است.
۲. داده‌های حسابداری مورد استفاده در این تحقیق، از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در شرایطی به دست آمده است که در تهیه این صورت‌ها عوامل تأثیرگذاری مانند تورم موجود در کشور در نظر گرفته نشده است و این می‌تواند تعمیم نتایج تحقیق را با محدودیت مواجه سازد.
۳. به خاطر اینکه جامعه آماری، بورس اوراق بهادار تهران بوده است در تعمیم نتایج به کل شرکت‌های موجود در کشور باید احتیاط بیشتری صورت گیرد.

منابع و مأخذ

۱. ثقفی، علی و مهدی سدید. (۱۳۸۶). "تاثیر محافظه کاری بر کیفیت سود و بازده سهام". *مطالعات حسابداری*، شماره ۱۸، تهران، ص ۸-۱.
۲. رضازاده، جواد و آزاد عبدالله. (۱۳۸۷). "رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی". *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۵، شماره ۵۴، تهران، ص ۷۸-۷۹.
۳. کمیته فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۸۶). "استانداردهای حسابداری". تهران، سازمان حسابرسی.
۴. مشایخی، بیتا، مهدی محمدآبادی، و رضا حصار زاده. (۱۳۸۸). "تاثیر محافظه کاری حسابداری بر پایداری و توزیع سود". *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، دوره شانزدهم، شماره ۵۶، تهران، ص ۱۲۱-۱۲۲.
۵. مهران، کاوه، محمد حلاج، و عباس حسنی. (۱۳۸۸). "بررسی محافظه کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی". *تحقیقات حسابداری*، سال اول، شماره سوم، تهران، ص ۱۰۴.
6. Ahmed, A , S, Duellman. (2007). "Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical examination". **Journal of Accounting and Economics**, vol 43, pp 411-437.
7. Balachandram, S.V , P.S, Mohanram. (2006). " Conservatism and the Value Relevance of Accounting." Online <http://www.ssrn.com>
8. Basu, S .(1997). "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings". **Journal of Accounting and Economics**, vol 24, pp 3-37.
9. Chan, L .C, W.J, Lin ,NI, Strong.(2009). "Accounting conservatism and the cost of equity capital: UK evidence". online <http://www.ssrn.com>
10. Dimitrios, V. K, Anestis ,C. L , Christos, I. N .(2009). "Value relevance of conservative and non-conservative accounting information". **The International Journal of Accounting**, vol 44, pp219-238.
11. Easton, P. D, Harris, T.S. (1991). "Earnings as an explanatory variable for returns". **Journal of Accounting Research**, vol 29, pp 19-36.

12. Folsom, D.M (2009); "Competitive Structure and Conditional Accounting Conservatism"; A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Doctor of Philosophy degree in Business Administration in the Graduate College of The University of Iowa"; online; <http://www.proquest.com>
13. Karen, T and et al.(2004)."Conservatism and Shareholder Protection: One Effect or Two in the Explanation of the Differential Value Relevance of Earnings Across Countries". Online <http://www.ssrn.com>
14. LaFond, R , R, Watts.(2006)." The Information Role of Conservatism".**The Accounting Review**, vol 83, pp 45-47.
15. Pae,J.(2007). "Unexpected Accruals and Conditional Accounting Conservatism".**Journal of Finance & Accounting**, vol34, pp 68-704.
16. Pope, P.F , M, Walker .(1999)."International Differences in the Timeliness, Conservatism, and Classification of Earnings". Online <http://www.ssrn.com>
17. Roychowdhury, S , R, Watts .(2007). "Asymmetric Timeliness of Earnings, Marketto Book and Conservatism in Financial Reporting".**Journal of Accounting and Economics**, vol 44, pp 2-32.
18. Watts, R.L.(2003a)."Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications" .**Accounting Horizons**,vol 17,pp 207-221.